

## پرسش ۸۱۸: رؤیای هدایت مردم و رسانیدن حق به آنها

السؤال / ۸۱۸: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلي على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً، السلام عليكم يا آل بيت النبوة ورحمة الله وبركاته:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً. السلام عليكم يا آل بيت النبوة و رحمة الله و بركاته.

رأيت رؤيا قبل أشهر وهي إني كنت واقفاً مع يمانى آل محمد السيد أحمد الحسن عليه وعليهم صلوات ربي في البيت الذي أسكن فيه وكنا واقفين في باحة المنزل وأمامنا مزرعة فيها نخيل فقلت له تفضل لتجلس على الأريكة وكانت في نفس المكان فجلس (عليه السلام) عليها فقلت له: إلا أضع لك فراش جديد تحتك فقال لا بأس فوضعتة وجلس عليه وحينها ظهر بجانبى أحد الأنصار (سبق أن كنت أناقشه في يوم سابق بموضوع يخص الدعوة وكان في النقاش بعض الاختلاف)، فقلت للسيد (عليه السلام) لقد قلت لصاحبى هذا الكلام ولم يوافق عليه، فقال سلام الله عليه إنَّ هذا الكلام من الله فلماذا لا يرضون به وهنا بان على وجه صاحبى عدم الرضا بما قاله السيد (عليه السلام)

چند ماه پیش، رؤیای دیدم؛ با یمانی آل محمد، سید احمدالحسن که سلام و صلوات پروردگارم بر او و آنان باد، در خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنم، ایستاده‌ام. ما در حیاط خانه ایستاده بودیم و جلوی ما، مزرعه‌ای بود که در آن درختان نخل بود. به ایشان عرض کردم: بفرمایید، روی تخت بنشینید. تخت در همان مکان بود و ایشان (ع) روی تخت نشستند. به ایشان عرض کردم: زیر شما روتختی نو بگذارم. ایشان فرمود: اشکالی ندارد. آن را قرار دادم و بر روی آن نشست و در این هنگام، یکی از انصار به سوی من آمد (روز گذشته با او در مورد موضوعی در مورد دعوت بحث کردم

و در بحث، کمی اختلاف ایجاد شده بود). به سید(ع) عرض کردم: این سخن را به دوستم گفتم و با من موافقت نکرد. ایشان(ع) فرمود: این کلام از سوی خداوند است؛ چرا به آن راضی نیستید؟ در آن هنگام بود که راضی نبودن به آنچه سید(ع) فرمود، روی چهره‌ی دوستم آشکار شد.

وفي هذه الأثناء وجدت أن الشيخ ناظم العقيلي جالس بيني وبين السيد ع فأشار إلي الشيخ ما معناه لماذا هذا الأخ يقول كذا أمام السيد ويقاطعه ثم اختفت صورة الشيخ وصاحبي وبقيت وحدي معه (عليه السلام)، فقال لي تعال معي فذهبت معه إلى مزرعة النخيل التي هي ضمن البيت وكان فيها جهاز توليد للطاقة الكهربائية (ضغط عالي) كبير جداً جداً، وهذا الجهاز يولد الطاقة لكل الكرة الأرضية وكان عاطلاً، فقال لي السيد (عليه السلام) قف أنت عند المفتاح الرئيسي للجهاز وعندما أقول لك اضغط عليه لتشغل الجهاز وأمسك هو (عليه السلام) بعصا في يده اليمنى، وقال أنا سأصلحها من هنا (في وسط الجهاز)، فقلت للسيد (عليه السلام) هل أجلب لك العدة فقال لا بأس فذهبت لجلب العدة فنظرت إلى مكان العدة وكانت معلقة على الحائط فلم أجد إلا القليل منها وبعضها غير صالح للعمل فقلت في نفسي أين فلان وأين فلان... فأخذت العدة الموجودة وأنا أخفيها خلفي ورجعت إلى السيد بقرب الجهاز خجلاً منه بسبب العدة فقال لي (عليه السلام) لا بأس عليك سوف نشغل الجهاز أنا وأنت

در همین حین دیدم شیخ ناظم عقیلی میان من و سید (ع) نشستند. او به شیخ اشاره کرد و چیزی به این مضمون گفت: چرا این برادر در حضور سید این چنین سخن می‌گوید؟ و سخنش را قطع کرد. سپس صورت شیخ و دوستم پنهان شد و من به تنهایی با سید(ع) ماندم. به من فرمود: بیا. من با ایشان به سوی نخلستان که در ضمن خانه بود، رفتم. در آن، ژنراتور تولید انرژی برق بود؛ برق فشار قوی؛ بسیار بسیار بزرگ. این ژنراتور برای همه‌ی کره زمین، انرژی تولید می‌کرد و از کار افتاده بود. سید(ع) به من فرمود: کنار کلید اصلی ژنراتور بایست و وقتی به تو گفتم، فشار بده تا این ژنراتور شروع به کار کند. ایشان(ع) عصایی در دست راستشان داشت و فرمود: من از اینجا

(مرکز ژنراتور) تعمیرش می‌کنم. به سید(ع) عرض کردم: آیا تجهیزات برایتان بیاورم. ایشان فرمود: اشکالی ندارد. من برای آوردن تجهیزات رفتم. به جای تجهیزات نگاه کردم؛ روی دیوار آویزان بود. تعداد اندکی از آنها را یافتم. برخی از آنها، مناسب کار نبودند. با خودم گفتم: فلان چیز کجاست؟ فلان چیز کجاست؟.... تجهیزات موجود را برداشتم، پشت خودم پنهان کردم و به سوی سید و نزدیک ژنراتور بازگشتم در حالی که به خاطر تجهیزات از ایشان خجالت می‌کشیدم. ایشان(ع) به من فرمود: اشکالی بر تو نیست. به زودی من و تو، ژنراتور را راه می‌اندازیم.

**فوضع السيد (عليه السلام) عصاه في أحد أجزاء الجهاز وكان في وسطه وحركة ثلاث مرّات ثم قال لي اضبط على زر التشغيل فضغطته بأصبعي فبدأ يعمل الجهاز بأحسن صورة وأضاء الكرة الأرضية بأجمعها، ثم تمشينا وكان هناك جنود بالقرب منا وكان الأمر استتب للقائم (عليه السلام) فجاءنا أحد الجنود وقال إن هناك سرب طائرات قادم نحونا فقال لي السيد (عليه السلام) دعهم فلن يستطيعوا أن يفعلوا أي شيء بعد الآن.**

سید(ع) عصایش را در یکی از اجزای مرکزی ژنراتور قرار داد و آن را سه مرتبه حرکت داد. سپس به من فرمود: کلید راه‌انداز را بزن. با انگشتم آن را زدم. دستگاه به بهترین شکل شروع به کار کرد و همه‌ی کره‌ی زمین را نورانی نمود. سپس راه رفتیم و سربازانی نزدیک ما بودند و امر به قائم(ع) داده شده بود. یکی از سربازان نزد ما آمد و عرض کرد: آنجا تعدادی هواپیما هستند که به سوی ما می‌آیند. سید(ع) به من فرمود: آنان را رها کن؛ از این به بعد دیگر نمی‌توانند کاری انجام دهند.

**والحمد لله رب العالمين**

والحمد لله رب العالمين.

اللهم تب علينا وأغفر لنا وارحمنا، اللهم أرفعنا تواضعاً لك واحفظنا لجوعاً إلى كهفك وانصرنا بخسران أنفسنا في سبيلك وعلّمنا علماً نكسب فيه رضاك واجعلنا من أنصار محمد وآل محمد صلوات ربي عليهم وحجراً بيد قائم آل محمد (صلى الله عليه وآله) والسلام عليكم يوم كنتم أنواراً ويوم ولدتهم ويوم تموتون ويوم تبعثون.

خدایا! توبه‌ی ما را بپذیر و گناهان ما را بیامرز و به ما رحم فرما. خدایا! ما را با تواضعی از سوی خودت، بالا ببرد و برای پناه‌بردن به پناهگاهت ما را حفظ کن و ما را در قبال زیان نفس‌هایمان در راهت یار کن و علمی به ما بیاموز که به واسطه‌ی آن، خشنودی تو را به دست آوریم و ما را از انصار محمد و آل محمد که صلوات پروردگارم بر ایشان باد، و سنگی در دستان قائم آل محمد (ع) قرار ده؛ و سلام بر شما، هنگامی که نورهایی بودید، هنگامی که متولد شدید، هنگامی که می‌میرید، و هنگامی که برانگیخته می‌شوید.

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقك ويسدد خطاك، وربما رؤياك واضحة لك وأنها في هداية الخلق وإيصال النور والحق لهم، أسأل الله أن يجعلها حقاً ويهدي خلقه إلى صراطه المستقيم هو وليي وهو يتولى الصالحين.

أحمد الحسن - ربيع الثاني/ 1433 هـ

از خداوند درخواست دارم که شما را موفق و گام‌هایت را استوار بدارد. چه بسا رؤیایت برای شما روشن است؛ اینکه در هدایت مخلوقات و رسانیدن نور و حق به ایشان می‌باشی. از خداوند درخواست می‌نمایم که آن را حقی قرار دهد و مخلوقاتش را به سوی راه مستقیمش هدایت کند. او سرپرست من است و سرپرست شایستگان.

احمدالحسن - ربیع الثانی ۱۴۳۳ هـ

